

THE GOD AND US

<http://www.ghandchi.com/363-GodAndUs-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/363-GodAndUsEng.htm>



خدا و ما

سام قندچی

از انقلاب 1357 در ایران تا کنون بسیاری از کسانی که ترجیح میدادند درباره مسائل مذهبی حرفی نزنند، عملاً وادار شده اند که در این عرصه بیش از آنچه مایلند صحبت کنند. مثلاً در پاسخ به بسیاری از روشنفکران اسلامی در ایران، در زمان شاه، وقتی آنها تئوری بیگ بنگ در کیهانشناسی را در تأیید وجود خدای خود میاوردند، کمتر کسی آنها را به چالش میکشید، که آخر چطور این خدائی که به تصور آنها خالق هستی از نیستی در لحظه بیگ بنگ Big Bang است، مساوی خدای قران و اسلام میتواند باشد؟

اگر این خدای بیگ بنگ بعد از خلق جهان تصمیم گرفته کماکان در آن فعال باشد و کتاب آسمانی و پیغمبر بفرستد، چرا برای پایان دادن به همه این اختلافات مذهبی تماس تازه ای برقرار نمیکند، همانگونه که با موسی و عیسی و محمد برقرار کرد، و در این عصر اطلاعات و اینترنت نگذارد حرف هایش تحریف شوند. آیا این هم نظیر زلزله سونامی اخیر مشیت الهی است؟

بنظر من موضوع مذهب دو موضوع است. یکی مباحث مربوط به منشأ جهان و اینکه آیا خدائی آن را خلق کرده و یا آنکه معمایی نهائی وجود بایستی نوع دیگری نگریسته شود؟ دومین موضوع مربوط به زندگی درستکارانه است.

مذاهب ابراهیمی اساساً این دو مبحث را متصل میبینند، چرا که بنظر آنها خدا مسول پاداش یا جزای زندگی درست یا نادرست است، و فرد در بخاطر اعمالش به بهشت یا دوزخ میرود. در مذاهبی نظیر هندوئیسم و بودائیسم، در خود عرصه دوم مذهب، کنترل و توازن از طریق اعتقاد به کارما Karma، حلول و تناسخ تأمین میشود. البته مذهب هندو به خدا و روح جهانی برهن هم، در عرصه اول مذهب اعتقاد دارد، ولی بودا اساساً از مباحث منشأ جهان و خدا پرهیز میکرد، و تأکیدش بر زندگی درستکارانه و تأمل اندیشمندانه Meditation بود.

آیا همه بحث های فیزیک کوانتا و تئوری بیگ بنگ میتواند به وجود یا عدم وجود شعور، فرای جهانی که ما میشناسیم، و یا حتی خلقت جهان دلالت کند، مثلاً با شعوری نظیر حرکت دهنده اولیه Unmoved Mover ارسطو، و در عمل روزانه جهان خلق شده تأثیری نداشته باشد، یعنی مشیت وی نباشد که مثلاً سونامی و زلزله صدها هزار نفر مردم بی پناه را نابود کند.

بنظر من این امکان وجود دارد و چنین خدائی شبیه خدای اسپینوزا است که قبلاً در **صوفیگری و تقدیر گرانی** درباره آن نوشته ام. و ما امروز حتی میتوانیم نوری که 14 بلیون سال پیش از زمان بیگ بنگ ساطع شده را در دقت بسیار زیادی مرور کنیم، که ارتباط ما با آن لحظه آغاز زمان و مکان است و بقول استیون هاوکینگ سوال آنکه قبل از بیگ بنگ چه بوده است، مثل آن است که بپرسیم جنوب تر از قطب جنوب چیست، یعنی مفهوم زمان قبل از بیگ بنگ بی معنی است؟

ولي آیا چنین خدائي هيچ شياھتي به خدائي اسلام يا مسيحيت دارد؟ بنظر من نه، چرا كه خدائي كه پيغمبر تأييد ميكند، و كتاب آسماني ميفرستد، بهتر است كه از آن توان استفاده كند و از تلف شدن هاي سونومي و زلزله جلوگیری كند، و يك كتاب جديد آسماني هم بفرستد كه همه اين برداشت هاي ضد و نقیض از كلامش برطرف شود.

با اين حال آیا خدائي غير از خدائي مذاهب ابراهيمي ميتواند وجود داشته باشد؟ آنگونه كه ديست هائي Deists نظير توماس جفرسون معتقد بودند؟ بنظر من چنین امكاني وجود دارد. مثلاً موضع اخير پرفسور آنتوني فلو [Flew Anthony](#) براي من قابل درك است.

اما آنچه كه استفاده از اينگونه بحث ها، توسط روشنفكراني كه نمیتوانسته و نمیتوانند از اسلام ببرند، براي توجیه واپس گرایی خود است و بنظر من سواستفاده است از علم. در به عبارت ديگر، مذهبي نظير بودائيسم به معماي نهائي در جهان معتقد بوده، و پيروانش را به تأمل اندیشمندانانه Meditation براي تكامل معنوي خوانده، و ادعاي كتاب آسماني نداشته است، حق دارد نتایج تحقيقات علمي را براي درك بهتر واقعييت بكار برد، اما مذهبي نظير مذاهب ابراهيمي، كه خدا را شخصاً در كار جهان دخيل دانسته، و پيغمبر و روحانيون خود را نماينده آن خدا خوانده اند، بهتر است كه از توضیح ديستي بيگ بنگ و ديده گاه هاي علوم ديگر، براي بقاي مذهب عقب مانده خود سو استفاده نكند.

مثلاً من در نوشته هاي برخي فعالين سياسي ايران ميبينم كه از دستاوردهاي جديد علم، براي "بازگشت به معنويت" مینويسند. من نميفهم منظور از "بازگشت" چيست! اگر منظور معنويت مذاهب ابراهيمي نظير اسلام است، كه متكي به اعتقاد آنها به خدائي شخصي Personal God است، بهتر است كه جامعه بشري هيچگاه به آن معنويت برنگردد، چرا كه سست شدن اعتقاد به خدائي آن مذاهب باعث شد، كه بسياري از پيروان سر سخت آن مذاهب، با از دست دادن اعتقادات مذهبي شان، اخلاق خود را نيز با ان بدور ريختند، آنگونه كه برتراند راسل بخوبي اين موضوع را درباره سقوط اخلاقي مومنين سابق بحث كرده است.

بالعكس آنها كه نگرهبان اخلاق را خدا نكردند، و اخلاق را به تأمل اندیشمندانانه فرد و تكامل معنوي فرد متكي كردند، چه معتقد به مذهب معيني نظير بودائيسم و چه نه، اخلاق قدرتمند تري را براي جوامع به ارمغان آوردند. تجربه مذهب بودائيسم ثابت كرد كه اخلاق ميتواند جدا از بحث خدا و خلقت پيش رود، و آنگونه كه برخي نظير [چك لي](#) معتقد بودند، **پروسه** **تكامل معنوي يك پروسه فردي است.**

اما چنین تكاملي را مساوي تفسير جديد از اسلام تلقي كردن، كوشش آنهائي است كه سعي در نجات دادن اسلام، از تجربه تلخ واپس گرایی ايران در 26 سال گذشته دارند، و اينكه سقوط اخلاقي ناشي از بي ايماني مومنين ديروز به اسلام، نتيجه سيستمي است كه از خدائي مذاهب ابراهيمي، شاه نگرهبان اخلاق ساخته بود، و نه آنكه تأمل اندیشمندانانه فرد را راه رسيدن به تكامل فردي و اخلاق والا بشناسد، كه صداقت و راستي را راهنماي عمل انساني بشناسد و نه ترس از خدائي ابراهيمي را كه از پدر براي آزمائش وفاداري قتل پسر را ميخواهد.

اساساً اشكال يكتاپرستي مذاهب ابراهيمي را به بهترين وجه در ده فرمان موسي ميتوان مشاهده كرد، يعني گرچه آن قوانين اخلاقي براي جامعه لازم بودند، ولي خدائي كه نظير يك پادشاه مستبد نگرهبان آن است، در واقع باعث همه آن فسادي است كه در پي پاشيدن اعقاد به آن خدا در دنيا مشاهده ميكنيم، و خواست "بازگشت" به آن معنويت جز واپس گرایی نيست. اين است عبارات خدائي موسي در دومين فرمان، از [ده فرمان](#)، كه بخوبي نشان ميدهد كه نتيجه چنین "بازگشت معنويت" بمعني بازگشت به چه نوع اندیشه مذاهب يكتاپرستي است كه نظير سلطنت مطلقه در عرصه اندیشه بشر بودند:

"2. شما نبايستي براي خود بتي در شكل هر چيزي در آسمان بال، يا در زمين زير يا، يا در آب پائين بسازيد. شما نبايستي به آنها تعظيم كنيد يا آنان را پرستش كنيد، چرا كه من ارباب، خدائي شما، يك خدائي حسود هستم، كه كودكان را براي گناهان پدرانشان، كه در سه يا چهار نسل قبل از من متفر بودند، تنبيه ميكنم، اما به هزاران نسل مابعد آنهائي كه مرا دوست دارند، و فرامين من را اجرا ميكنند، عشق ميورزم."

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

15 دی 1383

January 4, 2005

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>